



نقدی بر اجباری بودن عضویت در صندوق حمایت و کلای دادگستری کانون و کلای دادگستری استان مرکزی

هوالوکیل

نقدی بر اجباری بودن عضویت در صندوق حمایت و کلای دادگستری

شهپر نجفی

وکیل پایه یک دادگستری

دیرزمانی است که موضوعی تحت عنوان صندوق حمایت و کلای دادگستری، محل دغدغه و مناقشات اعضای کانون و کلای دادگستری ایران قرار گرفته، آنچنانکه اخیرا پیرو برخی اقدامات نامتعارف و البته غیرقانونی اعضای صندوق، اعتراض و کلا به نحوه عملکرد آن صندوق از طریق مکاتبات معترضان با اعضای صندوق را برانگیخته است. اگرچه اعتراض کنونی و کلا دایر مدار نحوه و میزان تعیین حق بیمه و کلا توسط هیات مدیره صندوق بوده لکن این امر از نتایج مناقشه اصلی است، آنچنانکه اصل منازعه بر سر اجباری بودن عضویت و کلا در صندوق حمایت بوده که گویا طی نامه شماره ۹۸۲۰۶۲۵۰ مورخ ۱۳۹۸/۵/۶ به طور جد و رسمی محل دفاع هیات مدیره صندوق قرار دارد.

لذا جهت انسجام بحث و اخذ نتیجه گیری معقول، شایسته تر آنست که بدوا به بررسی فلسفه و مسند قانونی ایجاد صندوق پرداخته و سپس به نقد آن پردازیم:

اولین آهنگ حمایت از و کلای دادگستری در سال ۱۳۴۱ و ضمن تصویب آئین نامه تعرفه حق الوکاله و هزینه سفر و کلای دادگستری توسط وزیر وقت دادگستری، نواخته شد. آنچنانکه نحوه صرف وجوه صندوق تعاون منوط به تنظیم آئین نامه ای توسط کانون و کلای دادگستری و اخذ تصویب وزارت دادگستری شده، که متعاقبا حدود ۶ سال بعد آئین نامه مذکور تهیه و مورد تصویب قرار گرفت.

از آنجا که جمله تعهدات صندوق، پرداخت مساعده به معلولین و و کلای بیمار تحت شرایط خاص و استرداد وجوه پرداختی بود، لذا در تاریخ ۱۳۵۰/۲/۱۴، قانون تشکیل صندوق تعاون و کلا و تأمین هزینه های کانون و کلای دادگستری جایگزین آئین نامه مذکور گردید، آنچنانکه وظیفه این صندوق کمک به و کلای دادگستری و



نقدی بر اجباری بودن عضویت در صندوق حمایت و کلای دادگستری کانون و کلای دادگستری استان مرکزی

کارگشایان در زمان پیری، از کارافتادگی و کمک به بازماندگان آنان و ایضاً پرداخت مساعده به وکلای بیمار تبیین گردید.

نهایتاً در اوایل دهه ۱۳۵۰ زعما و پیشکسوتان امور وکالت مترصد آن شدند که همانند سایر اقشار، امکانات قانونی لازم جهت بهره مندی و کلا از حقوق بازنشستگی و ... را فراهم سازند که تلاش های مذکور، منجر به تصویب قانون تشکیل صندوق حمایت و کلا و کارگشایان دادگستری مصوب ۱۳۵۵/۱۰/۲۹ گردید.

حالی، مواد مرتبط با موضوع بحث :

الف) وفق ماده یک قانون تشکیل صندوق تعاون و کلا و تامین هزینه های کانون وکلای دادگستری، به منظور کمک به وکلای دادگستری و کارگشایان در زمان پیری و از کارافتادگی و همچنین بازماندگان آنان بعد از فوت نیز پرداخت مساعده به وکلای معلول یا وکلایی که در نتیجه حوادث قهری یا ابتلاء به امراض، موقتاً قادر به انجام وظیفه وکالتی نیستند، در حوزه هر کانون وکلاء صندوقی به نام "صندوق تعاون وکلای دادگستری به کانون وکلاء دادگستری" تشکیل می گردد.

ب) وفق ماده ۶ قانون فوق الذکر، صدور پروانه وکلای دادگستری وثبت و تمدید مدت اعتبار آن، موکول به پرداخت وجوه مذکور در این قانون است و هیچ وکیلی قبل از تمدید مدت اعتبار پروانه خود، حق وکالت ندارد.

ج) وفق ماده یک قانون تشکیل صندوق حمایت و کلا و کارگشایان دادگستری مصوب دی ماه ۱۳۵۵، وکلا طبق این قانون از طریق بیمه اجباری در برابر اثرات ناشی از پیری و از کار افتادگی و فوت حمایت می شوند، لکن وفق تبصره ماده مذکور، وکلایی که مشمول مقررات قانون استخدام کشوری یا قانون استخدام نیروهای مسلح یا قانون تأمین اجتماعی یا مقررات بازنشستگی دیگری بوده، از مشمول مقررات حمایتی این قانون مستثنی می باشند.

د) وفق ماده ۱۱ قانون مذکور، تجدید پروانه سالانه وکلا و کارگشایان مشمول این قانون موکول به ارائه مفاصاحساب پرداخت حق بیمه می باشد.



نقدی بر اجباری بودن عضویت در صندوق حمایت وکلای دادگستری قانون وکلای دادگستری استان مرکزی

ه) وفق ماده ۱۴ قانون معنون، وکلایی که از مستمری بازنشستگی یا از کار افتادگی موضوع این قانون استفاده می کنند، دیگر حق وکالت ندارند.

ز) وفق ماده ۱۵ قانون موصوف، وکلا و کارگشایان دادگستری می توانند با رعایت ماده ۱۴ در صورت داشتن ۳۰ سال سابقه وکالت و یا دارا بودن حداقل ده سال سابقه وکالت و شصت سال سن و پرداخت حق بیمه به ترتیب مقرر در آئین نامه تقاضای بازنشستگی نمایند.

بر این اساس، بنظر میرسد مخلص تمام دغدغه پیشکسوتان وکالت و نیز استدلال اعضای هیات مدیره کنونی صندوق طی نامه رسمی صدرالذکر جهت توجیه قانون اجباری دانستن عضویت وکلا در صندوق حمایت، به شرح ذیل است:

بند اول نامه رسمی عضو هیات مدیره صندوق، باسبرنگ صندوق حمایت وکلای دادگستری به شماره ۹۸۲۰۶۲۵۰ مورخ ۱۳۹۸/۵/۶: " آنچه هنگام تصویب این قانون مهم بوده این است که باتوجه به مشکلات پیش روی وکلا، ایشان می باید در یکی از صندوق های تامین اجتماعی اجباری باشند و اگر بیمه نبودند، عضویت در صندوق برایشان اجباری باشد تا دست کم در هنگام مواجهه با پیری، از کار افتادگی و فوت، مورد حمایت صندوق بازنشستگی خود باشند. چرا عضویت در صندوق اجبار شد؟ چون پیشکسوتان ما تجربه ی ابتدائی عضویت اختیاری در صندوق تعاون را داشتند و می دانستند که اگر موضوع به اختیار وکلا گذاشته شود، امکان دارد که بسیاری از ایشان علاقه ای به عضویت خصوصا در سال های آغازین فعالیت از خود نشان ندهند. بنابراین عضویت را اجباری نمودند تا وکلا با پرداخت حداقل بیمه نسبت به بیمه خود در برابر پیری، از کارافتادگی و فوت اقدام نمایند و در اصل از یکدیگر حمایت کنند و امکان پرداخت مستمری به وکلا و خانواده ایشان فراهم گردد."

اکنون با اشراف و مذاقه بر مستندات قانونی و منویات بنیان و حامیان اجباری بودن عضویت در صندوق حمایت، جهات نقد وارد بر مباحث عنه به شرح ذیل است:

(۱) بدوا ایراد اساسی بر جوابیه کلی و بنظر سطحی عضو محترم هیات مدیره صندوق واردست! آنچنانکه بیان داشته:

" چرا عضویت در صندوق اجبار شد؟ چون پیشکسوتان ما تجربه ی ابتدائی عضویت اختیاری در صندوق تعاون را



نقدی بر اجباری بودن عضویت در صندوق حمایت و کلای دادگستری قانون و کلای دادگستری استان مرکزی

داشتند و می دانستند که اگر موضوع به اختیار و کلا گذاشته شود، امکان دارد که بسیاری از ایشان علاقه ای به عضویت خصوصا در سال های آغازین فعالیت از خود نشان ندهند."

حال آنکه وفق ماده ۶ قانون تشکیل صندوق تعاون و کلا (قانون سابق) ، عضویت تمامی و کلا در صندوق تعاون اجباری بوده، آنچنانکه صدور پروانه و کلای دادگستری و ثبت و تمدید مدت اعتبار آن موکول به پرداخت همان حق عضویت بوده است! لذا بنظر میرسد که حتی برخی از اعضای هیات مدیره صندوق نیز اطلاع زیادی از جزئیات تاریخچه اجباری بودن عضویت در صندوق نداشته و صرفا با یک سری جواب های کلیشه ای، مترصد پاسخگویی می باشند.

۲) حضرات محترم علت تدبیر اجباری نمودن عضویت را، حمایت از و کلا در زمان پیری یا از کار افتادگی آنها دانسته و حتی به گفته برخی و کلا، جهت جلوگیری از در یوزگی و کلا در دوران پیری ست!

حال آنکه آنچه مانع در یوزگی و کلا می شود، اجباری بودن عضویت در صندوق نیست، آنچنانکه هم اکنون نیز علی رغم وجود و کلای کهنسال با درآمد کم، هیچ یک از آنان حاضر به بازنشسته نمودن خود نبوده تا متعاقبا صندوق بتواند آنان را حمایت کند، چرا که حتی یک وکیل کهنسال و یا از کار افتاده نیز با اخذ و کالت از موکل و سپس توکیل به غیر، مشترکا اقدام به کسب درآمد و گذران زندگی با مبلغی لااقل بیش از مبلغ بازنشستگی صندوق می نماید. وانگهی یکی از جهات درماندگی کنونی و کلا، پرداخت همین حق بیمه اجباری صندوق بوده آنچنانکه بنابر مسموعات موثق، بالغ بر ۲۲ درصد از و کلا، توان مالی جهت تمدید پروانه خود را ندارد...

۳) اگرچه عدم تمایل و کلای کهنسال یا از کار افتاده به استفاده از مزایای صندوق، دلیل متقنی برای حذف صندوق نیست! لکن عدم تمایل و کلا به بازنشستگی، قطعا ناشی از ناکارآمدی صندوق جهت حمایت به معنای واقعی از و کلاست و همین امر دلیل متقنی بر لزوم حذف قید اجباری بودن عضویت در صندوق می باشد. چه آنکه اگر صندوقی صرفا به اسم حمایت از و کلا در دوران پیری یا از کار افتادگی تدبیر شود ولیکن به جهت عدم کارآمدی به وقت زنگاه، سالیان متمادی مورد اقبال اعضای خود قرار نگیرد، یعنی فلسفه وجودی آن صندوق زیر سوال رفته و استمرار آن فاقد پشتوانه عقلی ست. لذا اعضای چنین صندوقی می بایست مخیر به عضویت یا عدم عضویت در آن



نقدی بر اجباری بودن عضویت در صندوق حمایت و کلای دادگستری کانون وکلای دادگستری استان مرکزی

باشند و نه اجبار... چون اجبار افراد به عضویت در یک صندوق ناکارآمد، خلاف فلسفه حمایتی صندوق و عین بی عدالتی است.

۴) طبق گزارش منتشره صندوق حمایت در سال ۱۳۹۳ تحت عنوان طرح اجرای محاسبات آکچوئریال صندوق، تعداد کل وکلای عضو صندوق حمایت، ۲۳۱۵۷ نفر و تعداد کارآموزان عضو صندوق نیز، ۵۵۳۷ نفر بوده که جمعا بالغ بر ۲۸ هزار نفر عضو صندوق می باشند. حالیه طبق همین گزارش، تعداد کل وکلای بازنشسته صندوق، ۶۵۳ نفر و تعداد کل وکلای از کارافتاده صندوق، ۱۷ نفر و تعداد بازماندگان وکلای فوت شده صندوق، ۴۸۲ نفر بوده است! با مذاقه در آمار ارائه شده توسط صندوق، تعداد وکلای زنده عضو صندوق تا سال ۹۳، دقیقا ۶۷۰ نفر بوده حال آنکه تعداد وکلای فوت شده عضو صندوق تا همان سال، دقیقا ۴۸۲ نفر برآورد شده است.

یعنی، معادل دوسوم تعداد وکلای زنده مستفیض از صندوق، هم اکنون فوت شده اند و این نشانگر آنست که بازماندگان وکلای فوت شده، بیشتر تحت حمایت صندوق بوده تا خود وکیل! حال آنکه اگر همین وکلا در زمان حیات شان، مورد حمایت بیمه درمانی و نه لزوما بیمه عمر یا بازنشستگی قرار می گرفتند، طبعا طول عمر بیشتری داشته و در این سال ها آمار وکلای فوت شده کمتری داشتیم ...

بنابراین همین یک گل از بوستان صندوق حمایت، بیانگر آنست که صندوق مذکور با فلسفه وجودی خود که همانا حمایت از وکیل و وکالت بوده، کاملا فاصله و حتی منافات دارد! زیرا صندوقی که توان یا قابلیت حمایت از وکیل زنده را از طریق حمایت درمانی نداشته تا بر طول عمر و سلامت او بیافزاید، بالتبع دیگر نمی تواند با شعار حمایت از شأن وکالت و وکیل، جیب وکلا را از طریق پرداخت اجباری حق بیمه، خالی نماید.

البته ذکر این نکته نیز خالی از لطف نبوده که از زمان تشکیل صندوق، صرفا دو گزارش از عملکرد صندوق به صورت طرح آکچوئریال منتشر شده که احد آن مربوط به سال ۹۳ و دیگری مربوط به سال های ابعده یعنی ۸۴ بوده است و تاکنون هیچ گزارش محاسباتی از عملکرد صندوق ارائه نشدست! در حالی که صندوق معمولا می بایست هر سه سال یکبار، نسبت به انجام محاسبات مذکور، اقدام می نمود، آنچنانکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مکلف به ارائه بالغ بر ۱۳ گزارش از محاسبات آکچوئری خود می بود، حال آنکه اولین گزارش خود را آن هم با تاخیر



نقدی بر اجباری بودن عضویت در صندوق حمایت و کلای دادگستری کانون وکلای دادگستری استان مرکزی

بسیار زیاد، در سال ۸۴ و بار دوم در سال ۹۳ صورت داده و تاکنون دیگر هیچ گزارش محاسباتی تعرفه ننموده یا به تعبیری بالغ بر ۱۰ گزارش محاسباتی بنظر مکتوم مانده است!

۵) اصولاً ایجاد صندوق های تخصصی یا انحصاری برای یک قشر، جهت حمایت ویژه و افزون تر از آن قشر نسبت به سایر افراد عادی است. حال سوال اینجاست که صندوق حمایت از وکلا، دارای چه مزیتی است که دیگر نهادهای بیمه ای فاقد آن بوده و به دلیل همان مزیت، و کلاً بالاجبار می بایست در صندوق حمایت عضو شوند؟!

تمامی حدود خدمات صندوق حمایت محصور در بازنشستگی، از کارافتادگی و بیمه عمرست حال آنکه سازمان بیمه تامین اجتماعی به عنوان یک سازمان بیمه ای همگانی، علاوه بر بازنشستگی و از کارافتادگی، بیمه گذار را مشمول خدمات بیمه درمانی (به عنوان یک فاکتور اساسی در حفظ سلامت و طول عمر افراد)، نموده و هیچ محدودیتی در ارائه خدمات توسط هر مرکز درمانی ندارد.

البته شاید برخی از حامیان اجباری بودن عضویت، اظهار دارند که حق بیمه صندوق دقیقاً به همین جهات مذکور، نسبت به تامین اجتماعی کمتر بوده و چنانچه وکیلی تمایل به بهره مندی از خدمات درمانی نیز داشته، می تواند از طریق بیمه تکمیلی صندوق اقدام نماید و سپس این امر را از محاسن صندوق پندارند!... حال آنکه اولاً کمترین بودن حق عضویت صندوق نسبت به حق بیمه تامین اجتماعی، حسن نیست بلکه عیبی است که که بخاطر فقدان یک خدمت اساسی صندوق به وکلا مبنی بر بیمه درمانی، در ارائه خدمات صندوق وجود دارد. ثانیاً، سوق دادن وکلای خواهان بیمه درمانی به اخذ بیمه تکمیلی از صندوق، بیشتر به یک شوخی شبیه است! آنچنانکه اگر قرار بر انتخاب خدمات صندوق است، پس چه جای ترجیح بلامرجحی است که وکلا در پرداخت حق بیمه از کارافتادگی یا بازنشستگی و عمر، حق انتخاب نداشته و مجبورند، ولی در اخذ بیمه تکمیلی درمان از همان صندوق، حق انتخاب داشته و مختارند؟! آیا به زعم حامیان اجباری بودن عضویت، بیمه درمانی یک وکیل زنده اهمیت بسیار کمتری از بیمه عمر یک وکیل فوت شده داشته که اولی را اختیاری و دومی را اجباری می خوانند؟! ثالثاً صندوق در بیمه تکمیلی خود، لزوماً با تمام مراکز درمانی تفاهم نامه نداشته و صرفاً با برخی مراکز آنهم به صورت گزینشی، عقد قرارداد نموده و همین امر موجبات عسرت وکیل و ضعف کارآمدی بیمه تکمیلی صندوق می باشد. وانگهی از همه



نقدی بر اجباری بودن عضویت در صندوق حمایت و کلای دادگستری قانون و کلای دادگستری استان مرکزی

مهم تر آنکه، به جهت خصیصه گزینشی بودن مراکز درمانی طرف قرارداد در بیمه تکمیلی صندوق، احتمال بسیار قوی بر وقوع لابی گری و رانت عرفی جهت انتخاب مراکز درمانی مذکور، شدت گرفته و اسباب فساد در صندوق را فراهم می نماید.

بنابراین اظهر من الشمس است که اصولاً در هر بازاری که اجبار بلامرجه وجود داشته و امکان رقابت میان مراکز خدماتی سلب شود، تبعاً موجبات فساد و ناکارآمدی فراهم شده و عدم اختیار و کلا در انتخاب خادم خدمت خویش، مانع بروز یک رقابت سالم و البته سلب ارتقاء خدمات صندوق خواهد گردید.

۶) ایراد اساسی دیگر که ناشی از اجباری بودن عضویت در صندوق بوده، ناظر به ماده ۱۱ قانون تشکیل صندوق است. آنچنانکه وفق ماده مذکور، تجدید پروانه سالانه و کلا موکول به ارائه مفصاحساب حق بیمه ست، حال آنکه این چه دور باطلی ست که تجدید پروانه وکیل را منوط به پرداخت حق صندوق نمایم و از آن سو، کسب درآمد وکیل را نیز منوط به تجدید پروانه سازیم؟! یعنی به وکیل گفته می شود برای پرداخت حق بیمه صندوق، با پروانه خود به کسب درآمد پردازد ولیکن در مقابل چنانچه حق بیمه صندوق را نپردازد، پروانه اش تجدید اعتبار نمی شود!

مگر عضویت در صندوق حمایت از لوازم وکالت است که تجدید پروانه وکیل را گروگان دریافت حق عضویت صندوق قرار می دهیم؟! یعنی آن دسته از وکلایی که بدون پرداخت حق بیمه صندوق حمایت مشغول اند، عاجز از وکالت بوده و فقط وکلای صندوق حمایت، به شاپر وکالت یعنی پرداخت حق بیمه صندوق، مجهزند؟!!

چرا برخی از وکلا که وفق تبصره ماده یک قانون تشکیل صندوق، تحت شمول فی المثل بیمه تامین اجتماعی بوده، چنانچه در پرداخت حق بیمه خود تاخیر نموده و بدون ارائه هرگونه مفصاحساب از تامین اجتماعی به قانون مراجعه نمایند، حق تجدید پروانه خود را داشته، اما وکلای عضو صندوق، فاقد چنین حقی در صندوق حمایتی و اختصاصی خود هستند؟!!



نقدی بر اجباری بودن عضویت در صندوق حمایت و کلای دادگستری کانون و کلای دادگستری استان مرکزی

جالب تر آنکه، قضات و مدیران دفاتر دادگستری نیز چنانچه موفق به اخذ پروانه وکالت شوند، همانند وکلای تحت پوشش تامین اجتماعی و علی رغم تاخیر در پرداخت حق بیمه به سازمان متبوع خویش، در زمان تجدید پروانه خود، بی نیاز از ارائه مفاسد حساب حق بیمه می باشند!!!

بنظر میرسد عملکرد تامین اجتماعی بیشتر شبیه به حمایت از وکلاست ولی عملکرد صندوق حمایت، شبیه ...! بنابراین پرواضح است که ادعای حامیان اجباری بودن عضویت در صندوق مبنی بر نقش حمایتی صندوق از وکلا، بیشتر به یک شعار عوام فریبانه شبیه است تا یک واقعیت در عالم خارج! چرا که اگر هدف صندوق حمایت، واقعا حمایت از وکلاست، پس چرا بجای اینکه بگویند عضویت در صندوق اجباریست، در مقابل نمی گویند که بیمه بودن وکیل اجباری باشد اما انتخاب سازمان بیمه توسط شخص وکیل، اختیاری؟!

۷) با مذاقه در منطق تبصره ماده یک قانون تشکیل صندوق حمایت، به راحتی می توان پی برد که فلسفه وجودی صندوق حمایت، صرفا ایجاد نهادی برای بازنشستگی وکلاست و نه بیشتر! و خدماتی همچون بیمه عمر و از کارافتادگی صرفا برای خالی نبودن عریضه تدبیر شده است. چرا که در ذیل تبصره ماده معنون، چنین مقرر شده: " وکلایی که مشمول مقررات قانون استخدام کشوری یا قانون استخدام نیروهای مسلح یا قانون تأمین اجتماعی یا مقررات بازنشستگی دیگری بوده، از مشمول مقررات حمایتی این قانون مستثنی می باشند."

یعنی چنانچه زنی اقدام به ازدواج با یک کارمند دولت نموده و به تبع همسر خود، تحت مشمول بیمه شوهرش قرار بگیرد و سپس اقدام به اخذ پروانه وکالت نماید، نمی تواند با استناد به بیمه شوهرش، به تبصره مذکور تشبث جست و خود را معاف از عضویت در صندوق بداند. زیرا در ذیل تبصره مذکور، مقنن صراحتا قید نموده: " مشمول ... مقررات بازنشستگی دیگری بوده ". حال آنکه این وکیل زن، صرفا تحت مشمول بیمه درمانی شوهر خود بوده و قانونا مشمول مقررات بیمه بازنشستگی همسر خویش نمی باشد.

بنابراین کاملا مبرهن است که غرض بانیان (نه حامیان) صندوق حمایت از ایجاد آن، صرفا تدبیر مقررات بازنشستگی برای وکلا بوده، که آن هم به دلیل فقدان هرگونه نهاد بیمه همگانی بازنشستگی در زمان ایجاد صندوق بوده است. چرا که در زمان ایجاد صندوق تعاون و متعاقبا صندوق حمایت، بیمه همگانی به فراگیری امروز نبوده



نقدی بر اجباری بودن عضویت در صندوق حمایت و کلای دادگستری کانون و کلای دادگستری استان مرکزی

وبالطبع، اقتضای زمان موجب ایجاد چنین صندوقی با قید اجباری بودن عضویت شده بود، آنچنانکه در آن زمان، اگر وکیل عضو صندوق حمایت نمی شد، قطعاً هیچ سازمان بیمه ای دیگری نبود تا او را تحت حمایت مقررات بازنشستگی قرار دهد. لکن در زمان کنونی، به جهت وجود بیمه همگانی تامین اجتماعی برای بازنشستگی تمام اقشار جامعه، عملاً آن اقتضا مرتفع شده و دیگر هیچ نیازی به اجباری بودن عضویت و کلا در صندوق حمایت وجود ندارد.

۸) ایراد مهم دیگر در مقررات صندوق که به نوعی اجحاف در حق وکلای زن بوده و بدون توجه به شرایط جسمی و وضعی زنان وکیل به رشته تحریر درآمده، لزوم سی سال سابقه و کالت جهت تقاضای بازنشستگی وکیل است. لذا قانوناً امکان بازنشستگی زنان وکیل عضو صندوق، بعد از ۲۵ سال پرداخت حق بیمه به صندوق وجود ندارد. حال آنکه زنان وکیل مشمول بیمه تامین اجتماعی، بعد از ۲۵ سال پرداخت حق بیمه، مخیر به درخواست بازنشستگی می باشند.

۹) اگرچه برخی از وکلا در مقام توجیه لزوم اجباری بودن عضویت و کلا در صندوق حمایت، مترصد قیاس اجباری بودن بیمه شخص ثالث با اجباری بودن عضویت و کلا در صندوق حمایت شدند، لکن همانطور که مبرهن است قیاس موضوع بیمه شخص ثالث با بیمه و کلا توسط صندوق حمایت، مع الفارق است، چراکه بیمه شخص ثالث، از نوع بیمه های مسئولیت آنها مسئولیت راننده در برابر ثالث است، حال آنکه بیمه و کلا در صندوق حمایت، به هیچوجه در زمره بیمه های مسئولیت نبوده تا اکنون بتوان با توسل به قیاس جهت استنتاج حکم بر لزوم اجباری بودن عضویت در صندوق، بدان تمسک جست...!

مع الوصف بنظر میرسد که همین میزان نقد به اجباری بودن عضویت در صندوق حمایت جهت پرداخت حق بیمه، وافی به مقصود بوده آنچنانکه یک دلیل حامیان اجباری بودن، در برابر دلایل متعدد مخالفان اجباری بودن، تاب مقاومت ندارد. اگرچه شاید برخی حامیان اجبار بیان دارند که این ایرادات قابل رفع بوده و خللی به اصل اجباری بودن وارد نمی سازد، لکن باید بیان داشت که متأسفانه، مطالب ابرازی، ایرادی نیست که با بقاء اجبار مرتفع شود



نقدی بر اجباری بودن عضویت در صندوق حمایت وکلای دادگستری کانون وکلای دادگستری استان مرکزی

بلکه دقیقا تمامی این دلایل نقد ، ناظر به نفس وجود اجبار بلا مرجع بوده که جز با حذف اجبار مذکور ، امکان ارتفاع ایرادات وجود ندارد.

علی ایحال همراستا با غرض دلسوزان جامعه وکالت مبنی بر حفظ شأن وکیل و نیز حمایت از سلامت جسم و روان او، پیشنهاد می گردد :

ضمن لزوم بازنگری اساسی در بحث اجباری بودن عضویت وکلا در صندوق و به جای اصرار بر اجباری ماندن عضویت وکلا در صندوق حمایت ، قاطبه وکلا بالاتفاق مترصد لزوم بیمه شدن وکیل با قید اختیاری بودن انتخاب سازمان بیمه باشیم. چراکه یک وکیل با سلامت روحی و جسمی، قطعا کارآمدتر از یک وکیل بازنشسته ولی خسته ی روحی و جسمی ست و این هدف جز در سایه اولویت قراردادن حمایت درمانی از وکیل، دست یافتنی نخواهد بود.

شهر نجفی

وکیل پایه یک دادگستری

۱۳۹۸/۶/۸